نگاهی به بزرگی و اخلاص شهید مصطفی چمران در گفت‌وگوی «جوان» با یکی از نیروهای ستاد جنگ‌های نامنظم

چمران زیبایی‌های زندگی را در دفاع از ارزش‌ها می‌دید

احمد محمدتبریزی

شهید مصطفی چمران نامی بزرگ در تاریخ دفاع مقدس به حساب می‌آید. دکتر چمران در هر جایی حضور پیدا می‌کرد، روحیه ایثار، جنگاوری و مخلصانه کار کردن را با خود می‌برد. شهید چمران فرمانده بی‌ادعایی بود که به همراه نیروهای ستاد جنگ‌های نامنظم، سخت‌ترین کارها را انجام می‌داد و گره‌گشای جبهه‌ها می‌شد. شهید چمران عمری را در جنگ‌های چریکی و پارتیزانی گذرانده بود و تجربه‌هایش در مقابله با دشمن بعثی بسیار به کارمان می‌آمد. دکتر چمران فرماندهی تحصیلکرده و عالیرتبه بود که با شجاعت در سخت‌ترین موقعیت‌ها حاضر می‌شد و دشمن متجاوز را غافلگیر می‌کرد. رحیم باوی‌فر در دوران حصر سوسنگرد با شهید چمران و ستاد جنگ‌های نامنظم آشنا شد و در جریان عملیات آزادسازی سوسنگرد شرکت کرد. باوی‌فر تجربه گرانبهایی از بودن در کنار شهید چمران دارد و جز خوبی و اخلاص خاطره‌ای از این مرد بزرگ در ذهن ندارد. باوی‌فر در گفت‌وگو با «جوان» از دکتر چمران و تجربه همکاری با نیروهای ستاد جنگ‌های منظم می‌گوید که در ادامه می‌خوانید.

شما اولین بار کجا با شهید چمران آشنا شدید؟

من سال ۱۳۵۹ کارمند فرمانداری سوسنگرد بودم. با شروع جنگ تحمیلی، ستاد جنگ‌های نامنظم در فرمانداری تشکیل شد و من آنجا با شهید مصطفی چمران و نیروهایشان آشنا شدم. شهید چمران در آن مقطع به اهواز و سوسنگرد می‌آمدند. من از قبل با فعالیت‌های شهید چمران آشنا بودم ولی تا به حال ایشان را از نزدیک ندیده بودم و با نیروهایشان نبودم و در سوسنگرد به نیروهای شهید چمران ملحق شدم. سرگرد فراتش فرماندار نظامی سوسنگرد بودند و به شهید چمران کمک می‌کردند. من اول به عنوان نیروی شناسایی کارم را شروع کردم و بعداً به عنوان انباردار نیروهای ستاد جنگ‌های نامنظم معرفی شدم. تمام مهمات، تدارکات و پشتیبانی ستاد در سوسنگرد به دست من می‌رسید. من آن زمان ۲۴ ساله بودم.

آن زمان و در آن سن و سال متوجه بزرگی شهید چمران بودید و می‌دانستید با چه انسانِ بزرگی کار می‌کنید؟

بله، کاملاً متوجه بودم با چه شخصیت و انسان بزرگی روبه‌رو هستم. عملکرد، حسن اخلاق و هوش نظامی شهید چمران را به خوبی می‌شناختم و همیشه دوست داشتم جزئی از نیروهایشان در خارج کشور باشم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اولین دفتر در فلسطین باز شد که نیرو می‌خواستند و من داوطلبانه ثبت‌نام کردم. این آرزو را داشتم همراه شهید چمران برای آزادی فلسطین بجنگم که دیگر جنگ تحمیلی اتفاق افتاد و مشغول دفاع از کشور خودمان شدم. از مدت‌ها قبل چنین علاقه و انگیزه‌ای جهت آشنایی با شهید چمران را داشتم. شیخ هادی کرمی برایمان خیلی در سوسنگرد زحمت کشید و با سخنرانی و جلساتش نیروها را بیدار می‌کرد و ما با نیروهای شهید چمران آشنا بودیم. خلق‌وخو، ایثارگری، جنگاوری و حس نوعدوستی دکتر چمران را می‌شناختم. بعد از اینکه سوسنگرد به دست دشمن بعثی افتاد، من جزو نیروهای شناسایی ستاد جنگ‌های نامنظم در اهواز شدم. شهید کاویانی، شهید رستمی، صفر ترکمن، سرگرد فراتش و خلیل صراف نیز از نیروهای شهید چمران بودند و با ایشان کار می‌کردند.

ارتباط، تعامل و برخورد شهید چمران با نیروها چگونه بود؟

دکتر چمران خیلی انسان مهربانی بودند. من یادم می‌آید وقتی نیمه شب نیروها در ستاد خواب بودند، ایشان می‌آمد و تفقد می‌کرد. پاییز و زمستان در سوسنگرد هوا خیلی سرد بود و اگر پتویی از روی نیرویی کنار می‌رفت، ایشان روی نیروها پتو می‌کشید. اگر نیرویی توان و استعداد داشت به او قدرت می‌داد. کشف استعداد شهید چمران خیلی درست و دقیق بود. توان نیروها را بررسی می‌کرد و اگر آن توان و استعداد را در نیرویی می‌دید امکانات و اختیارات برایش درنظر می‌گرفت. در خط مقدم نیروها را با موشک دراگون آموزش می‌دادند تا تانک‌های عراقی را شکار کنند. نیروهای ما در سوسنگرد خط‌شکن بودند. ما در خط بودیم و عراقی‌ها تا ۵۰ متری‌مان آمدند و ما درگیری تانک با تانک با دشمن داشتیم. ما در شکست حصر سوسنگرد کاملاً پارتیزانی عمل کردیم. دکتر چمران در آزادسازی سوسنگرد زخمی شد. آنجا ما محاصره شده بودیم. با ترفندهایی که در جنگ‌های پارتیزانی آموخته بودیم، توانستیم از دست نیروهای بعثی جان سالم به در بریم. از محور غربی سوسنگرد که به طرف رودخانه بود به سمت جاده‌ای که دکتر چمران آنجا حضور داشت رفتیم و به آنها ملحق شدیم. دکتر و بچه‌های جنگ‌های نامنظم توانستند با موشک‌هایی که در اختیار داشتند تانک‌های عراقی را منهدم کنند و محاصره دشمن را بشکنند.

حضور شهید چمران در آن مقطع جنگ تا چه اندازه برای جبهه‌ها کمک کننده و کارگشا بوده است؟

با توجه به سازماندهی نداشتن و پراکندگی نیروها در اوایل جنگ، تنها نیرویی که به صورت متمرکز عمل می‌کرد و تحت اشراف فرماندهان خط قرار داشت، رزمندگان ستاد جنگ‌های نامنظم بودند. حتی آن زمان ارتش و سپاه به ما مهمات نمی‌دادند و شهید چمران کمک می‌کرد و به نیروها مهمات می‌رساند. در مورد اختلافات با بنی‌صدر خاطرم است در ستاد بودیم و شهید چمران وقتی از اقدامات بنی‌صدر عصبانی می‌شد خشمش را فرو می‌خورد و به نوعی با سعه‌صدر برخورد می‌کرد. ناراحتی‌اش را با صبر، تدبیر و اندیشه نشان می‌داد و اینگونه نبود که فقط ناراحت شوند و کاری نکنند یا بخواهند لجبازی داشته باشند، بلکه سعی می‌کردند در سخت‌ترین موقعیت‌ها هم کارشان را ادامه بدهند. تمام ناراحتی دکتر چمران برای وطن، دین و انقلاب بود و هیچ منفعت شخصی در میان نبود. دشمن با تمام امکانات سوسنگرد را انتخاب کرده بود چون نزدیک‌ترین منطقه به مرکز استان بود و می‌خواستند از سمت سوسنگرد با تپه‌های الله‌اکبر که مشرف به اهواز بود، این شهر را تصرف کند. چون اگر مرکزیت اهواز ساقط می‌شد تمام خوزستان به اشغال در می‌آمد. شجاعت و ایثارگری شهید چمران و نیروهای ستاد جنگ‌های نامنظم و سایر رزمندگان سبب می‌شد تا دشمن به اهدافش نرسد و حصر سوسنگرد شکست بخورد و اولین پیروزی در دفاع مقدس به ثبت برسد.

> بنی‌صدر شاید توانست به مقامی که می‌خواست برسد ولی عاقبت بخیر نشد. اما شهید چمران به دنبال عاقبت بخیری بود. عاقبت‌بخیری همان درجه رفیع شهادت بود که شهید چمران به آن دست پیدا کرد. شهید چمران زیبایی زندگی و هدف را در ایثارگری، جانفشانی و دفاع از مسلمانان و میهن می‌دید

دلیل اختلاف بنی‌صدر و شهید چمران در چه بود؟

نیروهای انقلابی در نهایت گمنامی در جبهه حاضر بودند و جز دفاع به هیچ چیز دیگری فکر نمی‌کردند. اگر به زندگی یک چریک یا رزمنده نگاه کنیم می‌بینیم او دنبال جایگاه و مقام نیست و عشقش تفنگ روی دوشش است و هدفش از سلاح در دست گرفتن دفاع از میهن و هموطنانش است. اما بنی‌صدر دنبال مقام دنیوی بود و به همین دلیل مدام نگران کارهای دیگران بود. بنی‌صدر شاید توانست به مقامی که می‌خواست برسد ولی عاقبت‌بخیر نشد. اما شهید چمران به دنبال عاقبت بخیری بود. عاقبت‌بخیری همان درجه رفیع شهادت بود که شهید چمران به آن دست پیدا کرد. شهید چمران زیبایی زندگی و هدف را در ایثارگری، جانفشانی و دفاع از مسلمانان و میهن می‌دید. تمام زیبایی را در این می‌دانست که برای رضای خدا گام بردارد و تمام هدف شهید چمران رضای خدا بود. شهید چمران وزیر دفاع و نماینده امام در شورای عالی دفاع بود ولی باز نگاهش به مقام‌های الهی و معنوی بود. مقام دنیوی که رضای خدا در آن نباشد برای شهید چمران پشیزی نمی‌ارزید. در کرخه‌نور اولین عملیات‌ها را آنجا انجام دادند. پاتک‌های سنگینی می‌خوردند و فرماندهی دقیق و قوی می‌خواست. الوهیت، مهربانی و همت شهید چمران در کردستان و مناطق دیگر خودش را نشان داد و در آخر ایشان اجر تلاش‌ها و کارهایش را نیز گرفت.

ایده‌ها و نبوغ شهید چمران چگونه در جنگ گره‌گشایی می‌کرد؟

بعد از اینکه شهر سوسنگرد سقوط کرد برای شناسایی دشمن یک موتور و یک نیرو به من دادند و با این موتور تا پشت منطقه دشمن می‌رفتیم و شناسایی را انجام می‌دادیم. نقل و انتقالات و تعداد نیروهای دشمن را شناسایی می‌کردیم و بلافاصله گزارش می‌دادیم. گروه‌های شناسایی را با موتورسواری انجام می‌دادیم و خیلی مهم بود. بهترین وسیله برایمان موتور بود. چون قابل شناسایی نبود و از نقاط کور دشمن استفاده می‌کردیم. موتور را جایی می‌گذاشتیم و بعد با پای پیاده به شناسایی می‌پرداختیم. دشمن در دهلاویه مستقیم شهر سوسنگرد را در تیررس داشت. شب برای شناسایی رفتیم و نیروهای عمل‌کننده نیز جلوتر حرکت کردند و صبح بعد از عملیات با هماهنگی سپاه، دهلاویه را آزاد کنیم و دیدیم نیروهای دشمن چگونه در حال فرار هستند. عملکرد نیروها با تدبیر و فرماندهی خاص شهید چمران بود. ما جوان بودیم، به ما بها داده شد و از ما نیروی محکم و سفتی ساختند. به ما اهداف را می‌گفتند و ما دیگر می‌دانستیم چطور کارها را انجام دهیم. هرگاه شهید چمران در جمع فرماندهان صحبت می‌کرد با حسن خلق سخن می‌گفت و در بیشتر مواقع بر غافلگیری دشمن و کم شدن تلفات تأکید می‌کرد. شهید چمران کانال‌هایی در محور سوسنگرد زده بودند تا نیروها از داخل کانال‌ها حرکت کنند و از جنوب به شمال سوسنگرد برسند. این ابتکار و طرحی بود که توانستیم از آن استفاده کنیم. استفاده بهینه از مهمات می‌کرد و چیزی را تلف نمی‌کرد. حتی باقیمانده مهمات را با خودمان می‌آوردیم چون ممکن بود مورد استفاده قرار بگیرد.

آرامش و معنویت شهید چمران را چگونه دیدید؟

نگاه و نظر خدا بالاترین نگاه‌هاست. اگر خدا به کسی نظر کند همه چیزش برای دیگران الگو می‌شود. شهید چمران در خدا ذوب شده بود و خدا نگاه خاصی به ایشان داشت و از بندگان خاص خدا بود. نیایش‌های شهید چمران خیلی خاص بود و تا به‌حال چنین نیایش‌هایی نشنیده‌ام. نیایش‌هایشان ورد زبانش بود. به رغم اینکه نظامی بود ولی روحیه معنوی و عرفانی خاصی داشت. خبر زخمی شدنشان در سوسنگرد خیلی برایمان ناگوار و غیرمنتظره بود. شهادت‌شان در دهلاویه نیز خیلی برایمان سخت و غیرمنتظره بود و ضربه روحی سختی خوردیم. معنویت و روحیه‌خدایی داشتن را از ایشان یاد گرفتم. از شهید چمران آموختم که همیشه آماده باشم و لحظه‌ای غفلت نکنم. دکتر چمران همواره می‌گفت همیشه یک مسلمان باید مقابل دشمن آماده باشد. چهره معصوم و مهربان شهید چمران جاذبه بالایی برای نیروها داشت. هیچ‌گاه عبوس نبود و با کسی تندی نمی‌کرد.

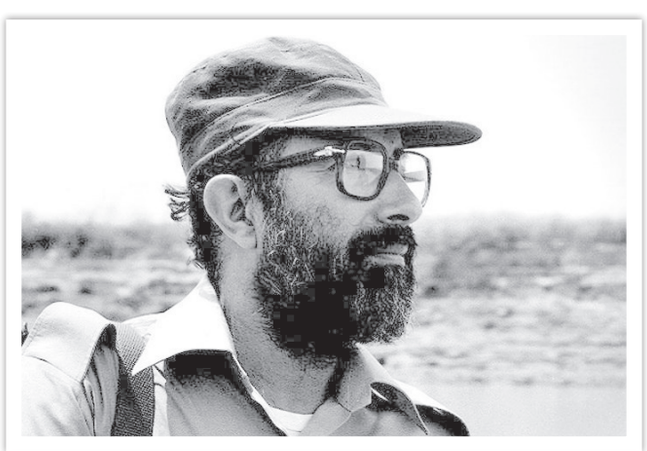

> دکتر چمران خیلی انسان مهربانی بودند. من یادم می‌آید وقتی نیمه شب نیروها در ستاد خواب بودند، ایشان می‌آمد و تفقد می‌کرد. پاییز و زمستان در سوسنگرد هوا خیلی سرد بود و اگر پتویی از روی نیرویی کنار می‌رفت، ایشان روی نیروها پتو می‌کشید. اگر نیرویی توان و استعداد داشت به او قدرت می‌داد. کشف استعداد شهید چمران خیلی درست و دقیق بود

یادمان

شهید مصطفی چمران
عارفی که دنیا را سه طلاقه کرده بود

آرمان شریف

محال است روزگار انسان‌های بزرگ را از یاد ببرد و بزرگی‌شان را پیش‌روی آدم‌ها نیاورد. بزرگمردان تاریخ همواره به دور از ادعا و در چشم آمدن کارهایشان را انجام می‌دادند و این گذشت ایام است که این بزرگی را به آدم‌ها نشان می‌دهد. شهید مصطفی چمران یکی از همین انسان‌های بزرگی بود که هیچ چیزی را در دنیا برای خودش نخواست و جز در راه خدا و بندگانش حرکت نکرد. تاریخ باید دهها سال صبر کند تا شاید دوباره چنین انسانی را با چنین ویژگی‌هایی به خود ببیند.

شهید مصطفی چمران با آن سیمای محزون و چشم‌های غمبار دنیایی حرف با آدم‌ها دارد. او با شیوه زندگی‌اش، سبک دیگری از زیستن را یاد انسان‌ها داد. او الگویی زیبا برای همه کسانی شد که با تعهد، تخصص و ایمان به دنبال انجام وظیفه هستند و جز خدایی زیستن چیز دیگری نمی‌خواهند.

در زمانه‌ای که آدم‌ها هر چه بیشتر منفعت‌گرا می‌شوند دکتر چمران از همه چیز خودش برای دیگران می‌گذشت. او از تحصیل در امریکا و همسر و فرزندانش گذشت تا در سخت‌ترین جبهه‌ها کنار مظلومان باشد. او به نیکی دریافته بود که پول، مقام و شهرت در این دنیا سرابی بیش نیست و برای جاودانه شدن باید به دل سختی‌ها زد و از درون مشکلات انسانی کامل شد.

همانطور که خودش در یکی از نیایش‌هایش پیش از شهادت اینچنین زیبا می‌نویسد: «درد دل آدمی را بیدار می‌کند، روح را صفا می‌دهد، غرور و خودخواهی را نابود می‌کند. نخوت و فراموشی را از بین می‌برد، انسان را متوجه وجود خود می‌کند. انسان گاهی خود را فراموش می‌کند، فراموش می‌کند که بدن دارد، بدنی ضعیف و ناتوان که در مقابل عالم و زمان کوچک و ناچیز و آسیب‌پذیر است، فراموش می‌کند که همیشگی نیست و چند صباحی بیشتر نمی‌پاید، فراموش می‌کند که جسم مادی او نمی‌تواند با روح او هم پرواز شود، لذا این انسان احساس ابدیت و مطلقیت و غرور و قدرت می‌کند، سرمست پیروزی و اوج آمال و آرزوهای دور و دراز خود، بی‌خبر از حقیقت تلخ و واقعیت‌های عینی وجود، به پیش می‌تازد و از هیچ ظلم و ستمی روگردان نمی‌شود.»

دکتر چمران نه تنها یک فرمانده بلکه بیشتر عارفی بود که لباس چریکی به تن کرده و برای احقاق حقوق مظلومان می‌جنگید. نیایش‌های عارفانه‌اش مضامینی پربار از تفکرات و درد دل‌های یک انسان آگاه و بیدار دارد. دکتر چمران چه آن زمان که در کنار یتیمان لبنانی برایشان پدری می‌کرد و چه وقتی در جبهه‌ها با دشمنان می‌جنگید، در هر حالتی همواره خدا و رضایش مقابل دیدگانش بود.

شهید چمران دنیا را سه طلاقه کرده بود و باکی از شهادت و ایثار جانش در راه خدا نداشت. چمران دنیا را جز برای جهاد و شهادت در راه خدا نمی‌خواست. شهادت برای او همانند امیرالمؤمنین(ع) شبیه رستگاری بود. فرمانده بزرگ جبهه‌ها وابستگی مادی به دنیا نداشت و روحش را از مدت‌ها پیش آماده دیدار معبود کرده بود. چنین زیستنی و چنین دیداری زیباترین شکل ممکن را برای بندگان دارد.

هنگامی که در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ وقتی شهید چمران در دهلاویه شربت شهادت را نوش کرد و به دیار ملکوتیان و نزد خدای خویش پرواز کرد ندای پروردگار را لبیک گفت: «ارجعی الی ربک راضیه مرضیه». این بزرگمرد در نیایشی عارفانه گفته بود: «ای حیات با تو وداع می‌کنم با همه زیبایی‌هایت، با همه مظاهر جلال و جبروت، با همه کوه‌ها و آسمان‌ها و دریاها و صحراها، با همه وجود وداع می‌کنم. با قلبی سوزان و غم آلود به سوی خدای خود می‌روم و از همه چیز چشم می‌پوشم.... خدایا تو را شکر می‌کنم که باب شهادت را به روی بندگان خالصت گشوده‌ای تا هنگامی که همه راه‌ها بسته است و هیچ راهی جز ذلت و خفت و نکبت باقی نمانده است، می‌توان دست به این باب شهادت زد و پیروزمند و پر افتخار به وصل خدایی رسید.»

> دکتر چمران عارفی بود که لباس چریکی به تن کرده و برای احقاق حقوق مظلومان می‌جنگید. نیایش‌های عارفانه‌اش مضامینی پربار از تفکرات و درد دل‌های یک انسان آگاه و بیدار دارد. چه آن زمان که در کنار یتیمان لبنانی برایشان پدری می‌کرد و چه وقتی در جبهه‌ها با دشمنان می‌جنگید، در هر حالتی همواره خدا و رضایش مقابل دیدگانش بود

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۲۳۷

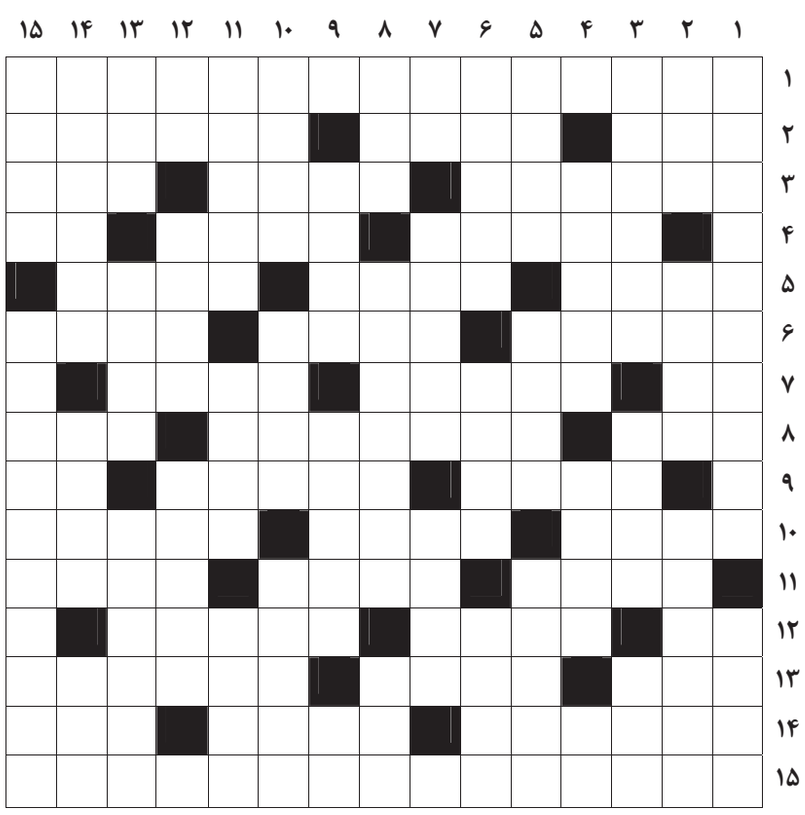

از راست به چپ

■ ۱- دست به کاری خطرناک زدن ■ ۲- نوعی زمین مسابقات تنیس- قابله- ملاط قیری برای درزگیری ■ ۳- شلیل- نمایشنامه مولیر- فرش ■ ۴- صفت تمام موجودات به‌جز ذات الهی- بیماری کم‌خونی- اسب تبریزی ■ ۵- از برادران پیران ویسه- تسمه رکاب- جدید ■ ۶- تنظیم موتور خودرو- پایتخت پرو- حروفچینی کامپیوتری ■ ۷- از القاب بزرگان ترک- لاستیک یدکی- درختی با برگ های پهن ■ ۸- وقت کار و کوشش- جرثقیل کوچک و بالابر- پارچه راه‌راه ■ ۹- از تیم‌های علی دایی در فوتبال آلمان- درک کردن- بازی نفسگیر ■ ۱۰- چهار یونانی- پدیدار- جنگل درختان سوزنی برگ مناطق سردسیر ■ ۱۱- خودروی باری سبک- کلمه‌ای که دو بار در سوره حمد تکرار شده است- نهنگ ■ ۱۲- بخیه درشت- مالک شدن- از احزاب رژیم صهیونیستی ■ ۱۳- وفای به عهد- چیزها- آویزان کردن ■ ۱۴- در مثل گاهی با هم می‌سوزند- خروس جنگی- خو و عادت ■ ۱۵- شعر معروف گلچین گیلانی در کتاب‌های درسی

از بالا به پایین

■ ۱- نمایشنامه‌نویس و شاعر آلمانی خالق آدم آدم است- نویسنده کتاب ■ ۲- خمیازه- نویسنده بینوایان- دشت قطبی ■ ۳- منطقه کوهستانی گیلان- لقب معصوم به معنای درخشان- شهری در استان فارس ■ ۴- پیدا کردن گنج در زمین- خوردنی اقتصادی- خبر کوتاه ■ ۵- راهب بودایی- تخته رنگ نقاشان- خلوت گزیده را به آن حاجتی نیست ■ ۶- یاقوت- از شبکه‌های رادیویی- واحد بزرگ نظامی ■ ۷- فرار حیوان- جودوسر- رشته کوهی در امریکا ■ ۸- آهنگساز آلمانی- مقابل پویایی- نوعی آچار ■ ۹- درست و صحیح- دکمه تکرار تلفن- مهریه حضرت زهرا ■ ۱۰- کره خاکی- وسیله باز و بسته کردن پیچ- اندوه و ملالت ■ ۱۱- از گل‌ها- جمع نکته- شیخ‌نشینی در خلیج فارس ■ ۱۲- ذات و شخص- ایالتی در امریکا- گاوچران امریکایی ■ ۱۳- رتبه‌ها- فلانی- آرامش‌بخش دل‌ها ■ ۱۴- منسوب به دیوان؛ درباری- محله‌ای در شمال تهران- از ضمایر ملکی ■ ۱۵- تیره‌بختی- در تداول عامه به کسی می‌گویند که به ظاهر پر دل و شجاع است اما در باطن ترسو است

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۹	۵				
						۳	۷	۹
۸		۳	۶					
۲						۱		۷
	۶				۵			
	۵			۱	۷		۴	۸
۶		۲						
						۸	۹	
			۱	۳				

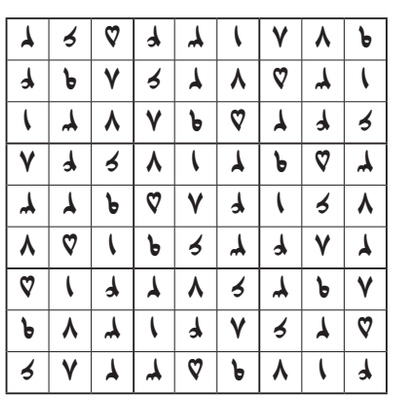

جدول کلمات متقاطع
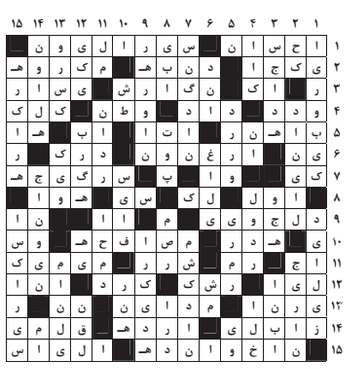
پاسخ جدول شماره ۶۲۳۶